

ایران و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای نسل پنجم رهبران چین (۲۰۱۹-۲۰۱۲)

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.2.5.6

محمد محمودی کیا* محمد رضا دهشیری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

چکیده

با روی کار آمدن نسل پنجم رهبران چین متعاقب برگزاری هجدهمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۲، شاهد اتخاذ راهبردهای نوینی در سمت‌گیری‌های سیاست خارجی چین هستیم. طرح ایده «یک کمربند - یک جاده» از سوی شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین و نیز تصمیم این کشور برای اعطای تسهیلات و کمک‌های مالی برای نوسازی اقتصادی کشورهای عربی، نشان از تغییر در راهبردهای سیاست خارجی چین در دوره جدید نسبت به خاورمیانه دارد. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از قدرتمندترین بازیگران منطقه خاورمیانه نقشی راهبردی در سیاست خارجی چین ایفا می‌کند. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا ایران در کنش سیاست خارجی نسل پنجم رهبری جمعی چین، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است؟ یافته این تحقیق حاکی از آن است که الگوی کنش سیاست خارجی چین در قبال ایران اتخاذ سیاست بی‌طرفی فعال و میانجی‌گری بوده و این کشور تلاش دارد تا ضمن پرهیز از رویارویی مستقیم با دیگر قدرت‌های درگیر در منطقه به ویژه ایالات متحده آمریکا، نسبت به تضمین ثبات جریان صادرات انرژی ایران به چین، بیشینه‌سازی منافع اقتصادی، برعهده گرفتن تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی به عنوان یک قدرت جهانی و نیز افزایش نفوذ سیاسی اقتصادی و امنیتی خود در منطقه از طریق ایران اقدام نماید.

واژگان کلیدی: نسل پنجم رهبران چین، ایران، خاورمیانه، سیاست خارجی، میانجی‌گری.

مقدمه

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و هم‌زمان با بهبود تدریجی روابط پکن و واشنگتن و احساس نیاز روزافزون چین به همکاری اقتصادی و سیاسی با غرب، روابط این کشور با ایران به شدت بعد عمل‌گرایانه به خود گرفت. چین در اولین اقدام به همکاری هسته‌ای خود با ایران پیرو توافق سال ۱۹۹۷ بین جیانگ زمین و کلینتون پایان داد. از این زمان به بعد، محور پکن - واشنگتن به مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر جهت‌گیری سیاست خارجی چین در قبال ایران تبدیل شد؛ به‌طوری که با رسانه‌ای شدن برنامه هسته‌ای ایران از آغاز هزاره جدید، نقش چین در رابطه ایران با غرب پررنگ‌تر شده و به موضع‌گیری این کشور بیش از پیش ماهیتی منفعت‌محور و عمل‌گرایانه بخشید.

روابط چین با ایران از این دوره زمانی در بعد سیاسی بیشتر جنبه اعلانی به خود گرفت و همکاری‌های اقتصادی به وجه غالب منحنی روابط دوجانبه تبدیل شد. همین روابط اقتصادی نیز به شدت از روابط سیاسی دیپلماتیک متأثر شد؛ به‌طوری که هم‌زمان با همکاری‌های فزاینده ایران و چین به‌عنوان بلوک جهان سوم و حمایت پکن از برخی مواضع و اقدامات ایران، همکاری اقتصادی اوج می‌گرفت و در مواردی که چین به‌مثابه یک قدرت بزرگ یا مسئول عمل می‌کرد، سطح این روابط نیز دچار افت می‌شد. در موضوع حساس هسته‌ای در حالی که چین از حق ایران برای بهره‌مندی مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای حمایت می‌کرد، اما ضمن رأی مثبت به انتقال پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت، در اعمال تحریم‌ها علیه ایران نیز ناگزیر از همکاری با غرب بود (ارغوانی، ۱۳۹۴: ۷۱). این روند تا برگزاری هجدهمین کنگره حزب کمونیست چین و هم‌زمان با آن، پیروزی جریان موسوم به اعتدال‌گرایان در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران ادامه داشت.

با برگزاری هجدهمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین و ظهور نسل پنجم رهبری جمعی در این کشور، شاهد تغییرات قابل‌ذکری در حوزه رفتار سیاست خارجی آن هستیم. چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور، در دوره جدید درصدد آن است تا علاوه بر حفظ رشد اقتصادی خود، نسبت به تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ عمل نماید. از این رو، تلاش می‌کند تا کنش فعالانه‌تری نسبت به مسائل جهانی داشته باشد.

یکی از مناطق راهبردی جهان که برای چین نیز نقشی استراتژیک داشته و به‌عنوان مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده انرژی این کشور و نیز بازار مصرف و نیز سکوی صادرات کالاهای چینی مطرح است، خاورمیانه می‌باشد. در این بین، ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به چین و نیز اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آن در منطقه، جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی رهبران جدید چین دارد.

دوره رهبری نسل جدید رهبران چین هم‌زمان روی کار آمدن دولت حسن روحانی در ایران مصادف با آغاز دور جدید گفت‌وگوهای پرونده هسته‌ای ایران می‌شود. نقش فعالانه چین در مذاکرات هسته‌ای و حضور آن به‌عنوان یک واسطه بی‌طرف و صادق موجب تعمیق هرچه بیشتر روابط ایران و چین شد.

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا ایران در دوره حکمرانی نسل پنجم رهبران چین از چه جایگاهی برخوردار شده است و کنش سیاست خارجی این کشور در قبال ایران طی این دوره چه روندی را طی کرده است؟ یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که چین در دوره کنونی دو ایده اصلی را در کنش سیاست خارجی خود دنبال می‌کند؛ نخست، حفظ رشد اقتصادی و برتری اقتصادی خود در جهان از طریق سیاست یک کمربند - یک جاده و دوم، ارتقای سطح مداخله‌گری در امور جهانی از طریق پذیرفتن مسئولیت‌ها و تعهدات بین‌المللی؛ در هر دوی این موضوع، جمهوری اسلامی ایران نقشی اساسی و محوری ایفا می‌کند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌ها و مقالات متعددی در خصوص سیاست خارجی چین در قبال خاورمیانه در دوره رهبری شی جین پینگ به عنوان چهره برجسته نسل پنجم رهبری جمعی چین منتشر شده است؛ مباحث اقتصادی بیشتر در قالب ژئواکونومی انرژی، صادقی (۱۳۹۴)، و نیز ابتکار «یک کمربند - یک جاده»، در آثاری چون ارغوانی و پیرانخو (۱۳۹۶)، موسوی شغایی و دیگران (۱۳۹۵)، شریعتی‌نیا و عزیزی (۱۳۹۶) نمود داشته است.

در حوزه کنش سیاست خارجی چین در قبال مباحث امنیتی همچون برنامه هسته‌ای ایران

به چشم می خورد.

اما در این میان و در خصوص دوره زمانی مورد نظر این مقاله، سال‌های به قدرت رسیدن نسل پنجم رهبری جمعی چین (۱۳۹۲-۱۳۹۸) به طور مشخص، تنها یک مورد مقاله - امام جمعه زاده و نساجی (۱۳۹۲) - مرتبط در خصوص اصول کنش سیاست خارجی چین نسبت به ایران توسط نگارندگان شناسایی شد؛ این مقاله با عنایت به این که در آغاز دوره رهبری نسل پنجم رهبری چین نگاشته شده است فرصت پردازش سیاست‌های اعلامی و اعلانی چین نسبت به ایران را نداشته است. لذا، با عنایت به رخداد‌های مهم حادث شده در عرصه روابط خارجی دو کشور، از جمله دستیابی به توافق برجام و تداوم آن پس از خروج یکجانبه ایالات متحده از آن، خلاء پژوهش در این حوزه احساس می شود، از این رو، این پژوهش به علت فاصله زمانی که از دیگر مقالات یاد شده در این حوزه دارد، از بداعت و نوآوری برخوردار است.

الگوی کنش سیاست خارجی نسل پنجم رهبری چین در قبال ایران: بی طرفی فعال

فرهنگ لغت وبستر - مریام بی طرفی فعال^۱ را سیاست ارائه حمایت از یک طرف درگیر در منازعه بدون مشارکت مستقیم درگیری یا منازعه تعریف کرده است (Merriam-Webster). بی طرفی فعال گونه‌ای از کنش سیاست خارجی است که ضمن اجتناب از ورود به منازعات و مناقشات بین‌المللی، می‌توان از موضع فعال از موضوعات مورد نظر حمایت کرد. به نظر می‌رسد کنش سیاست خارجی چین در دوره جدید بیشتر در قالب همین منطق اقدام عمل می‌کند. چین بدون درگیر کردن خود در منازعه بین ایران و غرب، کنش به مثابه یک میانجی‌گر صادق در مواجهه با ایران در نظام بین‌الملل را برگزیده است.

طی دهه‌های اخیر، بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و جهانی در برخی موارد در منازعات خاورمیانه نقش میانجی صلح را ایفا کرده‌اند. ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای همچون مصر، ترکیه و عربستان سعودی و سازمان‌های بین‌المللی بزرگ همگی بدون دستیابی به نتایج قابل ذکر به تلاش برای ایجاد صلح و امنیت پایدار در منطقه اقدام کرده‌اند. چین بر خلاف دیگر بازیگران، فاقد هرگونه سابقه مذهبی، سیاسی، تاریخی و استعماری است که همین

1- Active neutrality

امر چین را به نامزدی شایسته برای داوری و میانجی‌گری در منازعات منطقه مبدل می‌سازد و موجب می‌شود تا نقش یک میانجی صادق را ایفا نماید. این در حالی است که رفتار چین با اقلیت مسلمان اویغور در استان سین جیانگ می‌تواند همچون سایه‌ای بر بی‌طرفی در جهان اسلام و خاورمیانه ایجاد کند. با این وجود، چین همچنان از موقعیت بهتری برای میانجی‌گری در مناعات نسبت به دیگر کارگزاران بین‌المللی برخوردار است (Chaziza, 2018).

خاورمیانه اختلاط پیچیده‌ای از منازعات است: بین ادیان مختلف (فلسطین و اسرائیل)، گروه‌های مذهبی مختلف (سنی و شیعه)، گروه‌های قومی مختلف (کرد و ترک) و حنی بین میانه‌روها و افراط‌گرایان. این مسئله فراتر از هر قدرت بزرگ برای حل مشکلات خاورمیانه است. در دهه آینده، چشم‌انداز روابط چین با کشورهای خاورمیانه عمدتاً در پتانسیل همکاری اقتصادی قرار دارد. برای چین، تبدیل مبادلات فرهنگی به نفوذ عملی در منطقه دشوار خواهد بود. از طرف دیگر، چین برای نشان دادن مسئولیت‌ها و توانایی‌های خود به‌عنوان یک قدرت در حال ظهور، می‌خواهد نقش مهمی در مسائل امنیتی خاورمیانه ایفا نماید. از سوی دیگر، چین امیدوار است تا از تعاملات خود با خاورمیانه منافع اقتصادی و فرهنگی نیز ببرد. در خصوص منازعات خاورمیانه، چین نه یک طرف اختلافات در خاورمیانه است و نه مسئول این درگیری‌ها؛ و نه همسایه مستقیم کشورهای خاورمیانه است. اولویت چین در حال حاضر توسعه اقتصاد داخلی و جامعه خود است بنابراین پذیرفتن مسئولیت‌ها و تعهدات بین‌المللی زیاد که ممکن است با پیشرفت داخلی آن تداخل داشته باشد، به نظر چندان برای چین مطلوب نیست (Li and Yuwen, 2016).

به باور برخی از پژوهشگران، با توجه به محدودیت‌های چین، چین نباید در مناقشات مسلحانه محلی خاورمیانه دخالت کند. استراتژی دیپلماتیک چین در خاورمیانه باید مثبت و سازنده باشد. با وجود این، چین می‌تواند حضور نظامی خود در خاورمیانه را تقویت کند. برای این امر لازم است پکن خود را از درگیری مستقیم در امور داخلی کشورهای دیگر دور نماید و تمرکز خود را بر دیپلماسی میانجی‌گری قرار دهد (Li and Yuwen, 2016).

امپراطوی‌های گذشته و قدرت‌های بزرگ امروزی همگی اثبات کرده‌اند که قادر به حل مسائل خاورمیانه به صورت کامل نیستند. تنها اقدامی که چین می‌تواند انجام دهد کمک به احزاب معارض در منطقه برای دستیابی به یک سازش موقت است که متفاوت از تاکتیک اتحادیه اروپا،

روسیه و ایلات متحده است. به عبارت دیگر، چین می‌تواند یک استراتژی قدرتمند اما سازنده و صلح‌آمیز را انتخاب کند، که به سادگی مورد پذیرش احزاب معارض واقع می‌شود و در عین حال به چین این اجازه را می‌دهد که از انتقادات از قدرت‌های فرامنطقه‌ای اجتناب کند. از لحاظ اقدامات مشخص، چین می‌تواند از مکانیسم «نماینده ویژه»^۱ برای میانجی‌گری استفاده کند در حالی که کمک‌های مالی و مادی خود به منطقه را ادامه می‌دهد، با دیگر قدرت‌های بزرگ همکاری می‌کند و پویایی سیاسی خود را قدرتمند می‌سازد (Li and Yuwen, 2016).

دیپلماسی میانجی‌گری به پکن کمک می‌کند تا تصویر مشابهی برای ناظران داخلی و بین‌المللی را ترویج دهد که چین یک کارگزار صادق و علاقمند به ساخت صلح و ثبات در خاورمیانه است. این امر قامت بلندتری را برای چین به ارمغان می‌آورد که موجب تقویت اعتبار ملی و بین‌المللی آن می‌شود. با این وجود، انباشت اعتبار و رؤیت‌پذیری تنها نیروی محرکه دیپلماسی میانجی‌گرایانه چین به شمار نمی‌رود. رشد الزام‌آور رقابت برای دستیابی به قدرت و نفوذ در گستره دگرسازی توازن قدرت منطقه‌ای، به همان اندازه حائز اهمیت می‌باشد که استفاده از سیاست میانجی‌گری برای بیشینه‌سازی منافع اقتصادی آن کشور و نیز تأثیرگذاری سیاسی در آن دسته از کشورها و حوزه‌هایی که برخی از رقبای راهبردی چین سابقاً در آنجا مسلط بوده‌اند، برابری می‌کند (Chaziza, 2018).

دیپلماسی میانجی‌گری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اهداف و عمل سیاست خارجی چین مطرح شده است و پکن عامدانه خود را به‌عنوان یک نیروی صلح‌ساز در منازعات خاورمیانه و بحران‌های منطقه همچون افغانستان، سوریه، سودان، یمن، ایران و فرآیند صلح اسرائیلی - فلسطینی قرار داده است. نقش میانجی‌گرایانه چین بخشی از استراتژی مدیریت منازعات است که مطابق با سیاست عدم مداخله این کشور است. چین با عمیق‌تر و نیز فعالانه‌تر کردن مداخلات دیپلماتیک خود، به دنبال شکل بخشیدن به تحولات سیاسی و امنیتی در خاورمیانه است. بنابراین، نقش واسطه صلح راهی قانونی برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورهاست بدون آنکه از سیاست راهنمای سنتی خود خارج شود و نیز موجب ارتقا و تأمین امنیت از منافع اقتصادی و تأثیر سیاسی در منطقه می‌شود (Chaziza, 2018).

نسل پنجم رهبران چین: گذار از رهبری فردی به رهبری جمعی

در حالی که در زبان انگلیسی نسل‌های رهبری به ترتیب فاصله زمانی به‌طور معمول به‌عنوان «نسل‌های رهبری چینی» ارجاع داده می‌شود، با این حال، اصطلاح مرتبط دقیقی برای آن در زبان چینی وجود ندارد. اصطلاح مرسوم در گفتمان رسمی چین برای این گروه اصطلاح «رهبری جمعی»^۱ است که در عدد نسل‌ها شمرده می‌شود. برای مثال، نسل اول رهبران تحت عنوان «نسل اول رهبری جمعی» شناخته می‌شود. در گفتمان رسمی، آنها همچنین به‌عنوان رهبر دولت شناخته نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان «رهبر حزب کمونیست چین» شناخته می‌شوند (Lio, 2012).

رهبران گذشته چین، از جمله مائو زدونگ^۲ در نسل اول، دنگ ژیاوپینگ^۳ در نسل دوم، جیانگ زمین^۴ در نسل سوم و هو جینتاو^۵ در نسل چهارم، همگی اهمیت ذاتی و حیاتی وحدت حزب و سمت‌گیری منفرد برای رژیم چین را به رسمیت شناخته‌اند. با این حال، از آن زمان تا کنون، هر یک از این رهبران وحدت در رهبری و انسجام نخبگان حاکم را در طریقه‌ای یکجانبه، گاهی اوقات با خشونت به‌منظور از بین بردن رقبای سیاسی حفظ کرده‌اند. احتمال دارد نسل جدید رهبران چین که به‌عنوان نسل پنجم خوانده می‌شوند، چالش ارتقای هماهنگی و وحدت در رهبری حزب کمونیست چین برای آن‌ها به نسبت رهبران نسل‌های گذشته دشوارتر باشد (Li, 2011).

یکی از مهم‌ترین نتایج هفدهمین کنگره حزب کمونیست چین تغییر نگرش چین از رهبری فردی به الگویی از نظام رهبری جمعی^۶ رای تقسیم مسئولیت‌ها میان افراد مختلف و نیز تلاش برای جلوگیری از تصمیم‌گیری خودسرانه افراد یا اقلیتی از افراد در درون حزب بوده است. ظهور نسل پنجم از رهبران چین نشان‌دهنده آن است که چین به دور جدیدی از رهبری جمعی وارد شده است. در نتیجه انتظار می‌رود قوانین و هنجارهای سیاست نخبگان چینی به شدت دستخوش تغییر شود (Li, 2007).

چهره‌های شاخص رهبران نسل پنجم عبارتند از: شی جینگ پینگ، رئیس‌جمهور کنونی چین و دبیر کل حزب کمونیست چین، لی که چیانگ، نخست‌وزیر، دبیر حزبی شورای دولتی چین و

1- Collective Leadership

2- Mao Zedong

3- Deng Xiaoping

4- Jiang Zemin

5- Hu Jintao

6- collective leadership

فرد شماره دوی کمیته دائمی پلیتبوروی حزب کمونیست چین، رئیس مجلس، ژانگ دیجیانگ و لی ژان شو، رئیس کنگره، یو ژنگ شنگ و وانگ یانگ، دبیران دبیرخانه، لیو یونشان و وانگ هو نینگ، معاون رئیس جمهور، وانگ کیشان، معاون نخست وزیر، ژانگ گاولی و هان ژنگ، نخست وزیر سابق، لی یوانچئو و معاون سابق نخست وزیر، لیو یاندونگ و معاون نخست وزیر، سان چان لان (دانشنامه ویکی پدیا).

گذار چین از الگوی رهبر یکتای قدرتمند به رهبری جمعی، فرآیندی تدریجی بوده است. نسل پنجم رهبران چین با هجدهمین کنگره حزب در سال ۲۰۱۲ به قدرت رسیدند. در نسل پنجم کمتر مهندس و بیشتر مدیران مالی از جمله کارآفرینان موفق دیده می شود. بیشتر نسل پنجم رهبران غیرنظامی، در دوره پسا جنگ (سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵) متولد شده اند و در دانشگاه های برتر چین تحصیل کرده اند.

از میان رهبران این نسل، ۴۶۲ نفر متولد دهه ۱۹۵۰، ۷۱ نفر متولد اوایل دهه ۱۹۶۰ و فقط ۵ نفر متولد اواخر دهه ۱۹۶۰ هستند. این ۵۳۸ رهبر مورد مطالعه شامل همه اعضای دائمی و علی البدل هجدهمین کمیته حزب کمونیست چین، ۲۹ عضو هیئت دولت، همه وزرای ایالتی حزب و معاونان وزیر و همه فرمانداران ایالتی و معاونان فرمانداری می شود. از حیث تحصیلات درصد رهبرانی که در رشته های مهندسی یا علوم طبیعی تحصیل داشته اند از ۴۵ درصد در نسل چهارم به ۲۲ درصد در نسل پنجم کاهش یافته است. اما درصد رهبرانی که در اقتصاد یا مدیریت تحصیل کرده اند از ۸ درصد در نسل چهارم به ۳۳ درصد در نسل پنجم افزایش یافته است و درصد رهبرانی که در رشته حقوق تحصیل کرده اند از ۳/۵ درصد در نسل چهارم به ۹/۳ درصد در نسل پنجم افزایش داشته است (امام جمعه زاده و نساجی، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۲ به نقل از Li, 2008: 60).

راهبردهای کنش سیاست خارجی رهبران نسل پنجم چین

۱- در حوزه دیپلماسی اقتصادی: سیاست یک کمربند - یک جاده

چین متأثر از سیاست کلی تعامل با دنیای خارج و تداوم نوسازی از زمان روی کار آمدن شی جینگ پینگ، رئیس جمهور چین به عنوان نمادی از نسل پنجم رهبران چین، سیاست خارجی فعالی را با هدف مفصل بندی نوین در سیاست خارجی در پیش گرفته است (زارع، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

طرح جاده ابریشم نوین، یکی از جدیدترین مفاهیم موجود در دیپلماسی دولت چین است که هرچند به لحاظ تاریخی از محورهای مهم ارتباط میان تمدن‌های باستانی محسوب می‌شود، اما طرح دوباره و جدید آن به‌عنوان یک راهبرد یا سیاست، در عرصه سیاست‌گذاری خارجی چین بعد از دهه ۱۹۹۰ و با تلاش مقامات دیپلماتیک چینی به وجود آمد. این مفهوم بعد از فروپاشی شوروی، برای نخستین بار مبنای سیاست خارجی چین قرار گرفت که مقصود اصلی از آن، ایجاد چارچوب و اصولی برای همکاری میان پکن و کشورهای تازه تأسیس آسیای مرکزی، برای جلوگیری از پیامدهای منفی احتمالی برای چین بود (Tatar, 2013: 2-4).

روابط اقتصادی چین با خاورمیانه با ظهور سیاست یک کمربند - یک جاده در سال ۲۰۱۳ دستخوش تغییرات مهمی شده است. با توجه به مرکزیت خاورمیانه در طرح ابتکار یک کمربند - یک جاده، خاورمیانه به‌عنوان یک منطقه همسایه توسط پکن در سومین جلسه پانزدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۳ مورد شناسایی قرار گرفت؛ بدین معنا که خاورمیانه هم اکنون در منطقه ژئواستراتژیک اولویت بالای پکن قرار دارد. کشورها به طور معمول بر اساس میزان اهمیت برای چین رتبه‌بندی می‌شوند. اولویت‌بندی خاورمیانه بر اساس طرح ابتکاری یک کمربند یک جاده موجب شده است تا چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری اتحادیه عرب و ایران و همچنین یک شریک کلیدی برای اسرائیل تبدیل شود (Lyal, 2019).

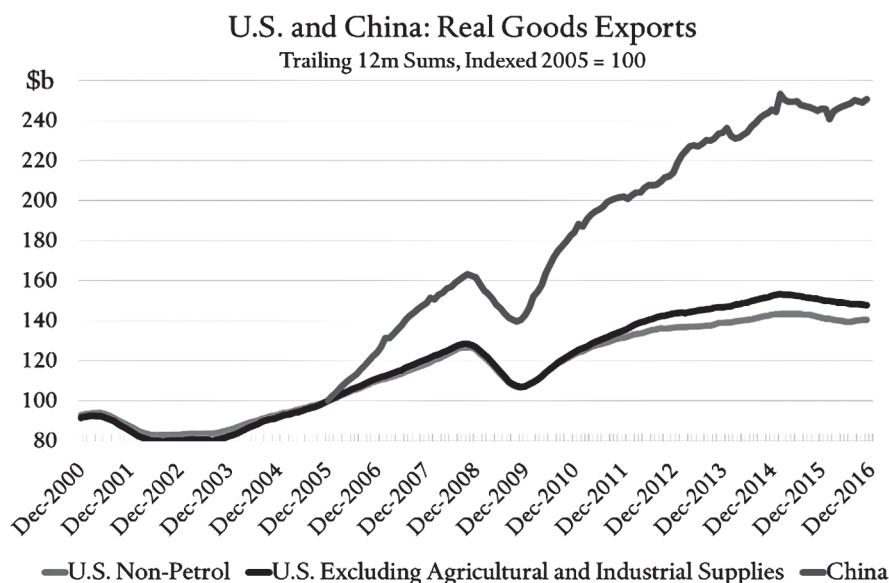
به نظر می‌رسد استراتژی جاده ابریشم نوین، محصول درک فعلی چین از ساختار قدرت در نظام بین‌المللی است. شی با احیای جاده ابریشم باستانی، خواهان توسعه مشترک توسط یک کمربند اقتصادی است که به وضوح انعکاسی از استراتژی بزرگ چین است. درواقع هدف چین، ایجاد نظامی چندقطبی است که در قالب طرح یک کمربند - یک جاده برای انتقال شرایط خود به یک استراتژی جدید تلاش می‌کند. بنابراین چین با این ابتکار در پی نقش‌آفرینی جایگاه خود به‌مثابه یک قدرت منطقه‌ای است تا این نگرش را نهادینه کرده و استراتژی جدید را در راستای سیاست خارجی خود، برای اهداف و منافع خود به وجود آورد. اما این تلاش‌ها از یک سو با واکنش قدرت‌های دیگر نظام بین‌الملل همچون ایالات متحده و روسیه مواجه شده و مرز رقابت آنها را بسیار به هم نزدیک کرده است و از سوی دیگر، چین را برای پیشبرد این طرح نیازمند متحدانی استراتژیک کرده که رویکردی واگرایانه با غرب دارند. از جمله این متحدان استراتژیک می‌تواند

ایران باشد (ارغوانی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۴).

۲- در حوزه تجارت، سرمایه‌گذاری: شراکت راهبردی

اگرچه چین از قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران در ۲۰۱۰ حمایت کرد، با این حال، به تعامل خود با جمهوری اسلامی ادامه داد. علی‌رغم خروج شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان بین‌المللی از ایران، کالاها و خدمات چین به سمت بازار ایران سرازیر شد. ایرانی‌ها از ادامه همکاری‌های چین در زمانی که به جز چین و روسیه کشور دیگری حاضر به تعامل با ایران نبود، استقبال کردند. روابط دوجانبه با اعلام سیاست یک کمربند - یک جاده (یا همان سیاست جاده ابریشم نوین) افزایش یافت؛ طرحی که ایران در آن نقش مهمی ایفا می‌کند. هر دو کشور می‌خواستند منافع خود را دنبال نمایند بدون آنکه به روابط با دیگر بازیگران آسیبی وارد شود. چین به طور عمده، تمایل ندارد که حمایت این کشور از ایران به روابط این کشور با قدرت‌های غربی آسیبی وارد آورد (Esfandiary & Tabatabai, 2018). برای درک اهمیت این موضوع نگاه کنید به حجم روابط تجاری چین و ایالات متحده طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ (شکل شماره ۱).

شکل شماره ۱: حجم روابط تجاری چین و ایالات متحده آمریکا



Sources: U.S. Census Bureau; China Customs; Haver Analytics.

Brad Setser and Cole Frank
blogs.cfr.org/setser/

افزایش حجم مسافرت‌ها، تجارت و سرمایه‌گذاری بین پکن و کشورهای خاورمیانه نشان‌دهنده ارتباطات و تعاملات در حال رشد چین با بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای همچون ایران است. در سال ۲۰۱۶ رئیس‌جمهور شی جین پینگ به کشورهای ایران، عربستان سعودی و مصر سفر کرد. به منظور جذب مشارکت هر چه بیشتر چین در سایه بازگشت تحریم‌های آمریکا به دلیل خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران، رئیس‌جمهور حسن روحانی نیز در ژوئن ۲۰۱۸ به چین سفر کرد. بدون رقابت اروپایی، چین این فرصت را خواهد داشت تا جایگزین شرکت‌های غربی در معاملاتی چون شرکت فرانسوی توتال در پروژه پارس جنوبی شود. چین بزرگ‌ترین خریدار نفت خام ایران است و احتمالاً به خرید نفت از ایران ادامه خواهد داد تا ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا محافظت نماید (Vakil, 2018).

با خروج یکجانبه ایالات متحده از برجام و فشار این کشور به دیگر کشورها و بنگاه‌های تجاری برای خروج از بازار ایران و نیز توقف صادرات نفت ایران، تهران امیدوار است که پکن مانع از آسیب‌های بزرگ‌تر اقتصادی شود. در حال حاضر چین در حال بررسی گزینه‌های پیش‌رو است. از یک طرف، بنگاه‌های تجاری چین در موارد نقض تحریم‌های آمریکا یافت شوند. آن‌ها بیش از هر زمان دیگر جهانی شده‌اند، که این بدان معناست آن‌ها به مراتب و بیش از گذشته نسبت به تحریم‌های آمریکا آسیب‌پذیر هستند. آمریکا نیز برای تحقیق و تحریم شرکت‌های چینی همچون غول‌های مخابراتی هواوی و ZTE برای تجارت با ایران به خود تردید راه نداد. با این حال، شرکت‌های عمده چینی همچنان در ایران فعال هستند و برخی از آن‌ها نیز به کسب و کارهای اروپایی مشغول هستند. برای مثال، شرکت‌های چینی سرمایه‌گذاری سنگینی را در بخش انرژی و راه‌آهن ایران انجام داده‌اند. در جولای ۲۰۱۷ چین با سرمایه‌گذاری ۱,۵ میلیارد دلاری در راه‌آهن تهران - مشهد موافقت کرد. چین در روند پرداخت‌ها بسیار منعطف‌تر از گذشته عمل می‌کند و برای وابستگی کمتر به دلار آمریکا تلاش می‌کند تا پول ملی را جایگزین پرداخت واردات نفت کرده است تا از این طریق مانع از فشارهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا شود. این بدان معناست که تجارت و همکاری‌های اقتصادی ایرانی - چینی احتمالاً ادامه خواهد یافت حتی اگر دولت ترامپ تحریم‌های جدیدی علیه ایران اعمال کند (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

چین در حال حاضر نفوذ زیادی در ایران دارد و این موضوع روندی رو به رشد خواهد داشت

تا زمانی که معاهده هسته‌ای با تزلزل ادامه داشته باشد. در حال حاضر، اروپایی‌ها در حال مذاکره میان خود هستند تا بسته انگیزشی را توسعه دهند که ایران را تشویق به ماندن در قرارداد هسته‌ای کند. اما اروپا در توان خود در برابر آمریکا دارای محدودیت است. دولت‌های عضو اروپا در نهایت فاقد اراده سیاسی برای تضعیف تلاش‌های آمریکا در به انزوا کشاندن ایران هستند. از همین رو، در خلال تعقیب مذاکرات با اتحادیه اروپا، ایران روی پکن به عنوان یک مانع در برابر انزوای تحمیلی ایالات متحده حساب می‌کند. تمایل چین برای ادامه تجارت با ایران تلاش‌های ایالات متحده برای به انزوا کشاندن ایران و نیز تحریم‌های بین‌المللی را کم اثرتر از گذشته می‌کند. حتی اگر ترامپ تحریم‌های یکجانبه را علیه ایران اعمال کند، ایران تفاهم‌نامه هسته‌ای را نقض نخواهد کرد و دیگر کشورها نیز در کنار آمریکا قرار نخواهند گرفت. در نتیجه، آن‌ها به دنبال راه‌هایی برای ایزوله کردن بنگاه‌های تجاری خود از تحریم‌های یکجانبه آمریکا هستند. در بلند مدت، این امر به شدت تلاش‌های آمریکا برای ایجاد یک معامله جدید را کاهش خواهد داد (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

بنابر اعلام سازمان گمرک چین، حجم صادرات و واردات چین با ایران که حجم تجارت کل دو کشور محسوب می‌شود، در ۹ ماه سال ۲۰۱۸ میلادی به ۱۸۹ میلیارد و ۱۶۰ میلیون یوان (۲۹ میلیارد و ۱۰۱ میلیون دلار) رسید. این رقم در مقایسه با دوره مشابه سال ۲۰۱۷ میلادی ۱,۸ درصد رشد داشته است. صادرات چین به ایران در ۹ ماهه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی ۷۶ میلیارد و ۱۸۰ میلیون یوان (۱۱ میلیارد و ۷۲۰ میلیون دلار) بود که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۶,۳ درصد کاهش یافته است. واردات چین از ایران در ۹ ماهه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی را ۱۱۲ میلیارد و ۹۸۰ میلیون یوان (۱۷ میلیارد و ۳۸۱ میلیون دلار) بوده است. این رقم در مقایسه با دوره مشابه سال قبل میلادی ۱۹,۱ درصد افزایش یافته است (خبرگزاری ایرنا).

در صنعت خودرو نیز سرمایه‌گذاری‌هایی از سوی چینی‌ها در ایران انجام شده است. دو شرکت خودرو سازی MVM و Chery از عمده‌ترین شرکت‌های خودروسازی در ایران به شمار می‌روند که ۲۶۰۰ کارمند محلی را در استخدام خود دارند. بنا به اعلام پایگاه اطلاع رسانی شرکت Chery، این کمپانی تا پایان سال ۲۰۱۷، ۳۰۰ هزار دستگاه خودروی در بازار ایران به فروش رسانده است (www.cheryinternational.com). پس از سایپا و ایران خودرو این شرکت‌های چینی سومین فروشنده

بزرگ خودرو در ایران محسوب می‌شوند.

واردات نفت چین از ایران در سپتامبر ۲۰۱۸ به ۴۵۸ هزار بشکه در روز رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۱.۶ درصد کاهش نشان داد. با این حال میزان واردات این کشور در فاصله ژانویه تا سپتامبر نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲.۴ درصد رشد داشت و به ۶۴۳ هزار و ۸۶۹ بشکه در روز رسید (Tsukimori, 2018).

Nation	Sep-18	Sep-17	yr/yr pct
China	458,184	784,060	-41.6
India	527,600	415,400	27.0
Japan	148,775	215,564	-31.0
Korea	0	504,033	n/a
Total	1,134,559	1,919,057	-40.9

مقایسه میزان صادرات نفت ایران در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ (uk.reuters.com) TSUKIMORI, 2018

۳- در حوزه امنیتی: نقش چین در دستیابی به توافق برجام و تداوم آن

با روی کار آمدن دولت یازدهم مسئله هسته‌ای به یکی از اولویت‌های دستگاه سیاست خارجی ایران تبدیل شد. سرانجام، پرونده هسته‌ای ایران پس از کش‌وقوس‌های فراوان، با دستیابی به توافق موسوم به برجام از وضعیت بحرانی خود خارج شد.

نتیجه مذاکرات هسته‌ای ایران نشانگر ارزش همکاری سایر کشورهای قدرتمند در تلاش گروهی برای حل‌وفصل مشکلات دشوار است. هرچند دیپلماسی چندجانبه‌گرایی آشفته، دشوار و مستعد تحریک سیاسی است؛ چنانچه نامزدهای جمهوری خواه ریاست جمهوری ایالات متحده با تکیه بر مفهوم هژمونی جهانی آمریکایی، معتقدند که دخالت آمریکا در دیپلماسی چندجانبه نشانه ضعف این کشور است. اگرچه برای آن دسته از رهبران سیاسی که پیچیدگی جهان با این جمعیت انبوه را فهم می‌کنند اقدام گروهی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

مسئله برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران یک نمونه از دستاوردهای چندجانبه‌گرایی در مسائل

سیاست جهانی است. تعامل ۵ عضو دائم شورای امنیت، اتحادیه اروپا و آلمان و اجماع صورت

گرفته موجب عادی سازی برنامه هسته‌ای ایران و رفع نگرانی‌های امنیتی از آن شد. در این بین، چین نقشی فعالانه و تأثیرگذار در روند حصول این توافق بین‌المللی داشت (Pachios, 2015).

هرچند هر یک از طرف‌های درگیر در این پرونده منافع و بالتبع رویکردی خاصی را دنبال می‌کردند، در این میان، رویکرد چین به برنامه هسته‌ای ایران رویکردی ابزارانگاره است. بدین معنا که از این مناقشه به عنوان یک اهرم در سیاست خارجی خود به خصوص در روابط با غرب و آمریکا استفاده می‌کند. استراتژی اصلی پکن ایجاد موازنه میان تهران و واشنگتن است. همچنین پرونده هسته‌ای ایران برای چین به مثابه فرصتی بود تا نشان دهد که می‌تواند میان منافع داخلی و مسئولیت‌های بین‌المللی تعادل ایجاد کند. در حقیقت پکن با پیگیری هم‌زمان منافع ملی و تعهد به مسئولیت‌های بین‌المللی، متضمن فرآیندی متعارض با قدرت‌های برتر به ویژه آمریکا شده است؛ بدین معنا که این کشور به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، برای ایفای نقش به عنوان یک ابرقدرت نسبت به مسائل مرتبط با امنیت جهانی خود را متعهد می‌داند و از این نظر ناگزیر به برخی همکاری‌ها با دیگر قدرت‌های بزرگ است. چین ضمن خودداری از مداخله فعال و جدی در پرونده هسته‌ای ایران، تلاش می‌کند مواضعی اتخاذ کند که منافع اقتصادی‌اش در ایران و جهان به ویژه در رابطه با آمریکا دچار آسیب نشود (بصیری و آئینه‌وند، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۷). منافع چین در مذاکرات بسیار گسترده است، از تأمین منابع نفتی حیاتی گرفته، تا مبارزه با تندروی و بالا بردن ابتکار عمل در اقتصاد منطقه‌ای و بازرگانی، به منظور کمک به حفظ این منافع و بالا بردن پایداری اقتصادی خاورمیانه و امنیت منطقه‌ای؛ از این رو لازم است تا چین رویکردی مؤثرتر و فعال‌تر در قبال مذاکرات داشته باشد.

در بحث فنی بیشترین تأثیر چین در حل و فصل مسئله راکتور آب سنگین اراک بود. وضعیت منحصر به فرد چین با ایران در میان دیگر مذاکره‌کنندگان - هیچ یک از دو کشور سابقه درگیری و خصومت قبلی با یکدیگر را در سابقه تاریخی خود ندارند - موجب شد تا چین نقش یک کارگزار صادق را ایفا نماید. در خصوص راکتور آب سنگین اراک این نگرانی مطرح می‌شد که از نظر فنی امکان غنی سازی اروانیوم برای استفاده در تولید سلاح هسته‌ای وجود دارد. ورود چین و طرح ایده برنامه بازطراحی راکتور اراک که پتانسیل آن برای تولید مواد هسته‌ای در مقیاس لازم برای تسلیحات از بین می‌برد، موجب فروکش شدن حساسیت مذاکره‌کنندگان در این باره شد. این

ایده راه را برای دستیابی به توافق برجام هموار کرد. به باور چین دستیابی به توافق برجام موجب برقراری صلح و ثبات در خاورمیانه و تقویت نظام عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای در جهان خواهد شد (Pachios, 2015).

بر اساس توافق هسته‌ای، پکن نقش اصلی را در بازطراحی تأسیسات کلیدی هسته‌ای ایران، راکتور آب سنگین اراک بازی می‌کند. چین همچنین آماده است تا دو راکتور هسته‌ای جدید را در سال‌های آینده به اتمام برساند. این مسئله موجب می‌شود تا چین نقش بسیار بزرگ‌تری را در بخش هسته‌ای ایران ایفا نماید که سال‌ها تحت سلطه مسکو بوده است. از سوی دیگر، افزایش مشارکت خارجی در بخش هسته‌ای ایران مثبت است، چراکه این امر موجب می‌شود تا برنامه هسته‌ای ایران در معرض دید و آزمون دیگران قرار گیرد. در سمت دیگر، با سرمایه‌گذاری چین در دیگر بخش‌های صنعت ایران، به انزوا کشاندن مؤثر ایران در عرصه بین‌المللی با مشکل مواجه خواهد شد (Esfandiary & Tabatabai, 2018).

با خروج یکجانبه ایالات متحده از توافق برجام و تلاش این کشور برای بازگشت تحریم‌های ثانویه علیه جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا پس از ماه‌های بررسی، سازوکار مالی جدیدی برای مقابله با تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و نیز توسعه مبادلات بازرگانی بین ایران و کشورهای دیگر تحت نام «اینستکس»^۱ ایجاد کرد. چین در واکنش به این سازوکار جدید مالی ضمن استقبال از آن، چنین اظهار داشت که «چین، تلاش‌های کشورهای اروپایی برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران را عمیقاً تحسین می‌کند و از ایجاد اینستکس حمایت می‌کند. چین قاطعانه از طرف اروپایی بابت ادامه همکاری‌ها با ایران و ارتقاء فعالیت این سازوکار در اسرع وقت و گشودن آن به روی کشورهای ثالث به منظور تسهیل همکاری‌های عادی تجاری میان جامعه بین‌الملل و ایران حمایت می‌کند» (PressTV).

۴- در حوزه سیاسی: سیاست غوطه‌ورسازی^۲

محیط امنیتی شرق آسیا یکی از مناطقی است که میزان تمرکز قدرت‌های بزرگ بر آن طی

1- The Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX)

2- Immersion Policy

دو دهه اخیر افزایش چشم‌گیری یافته است. برنامه موشکی و توان هسته‌ای نظامی کره شمالی، مسئله حاکمیت در تایوان، برگزاری رزمایش‌های مشترک آمریکا و کره جنوبی و متأثر از آن، تداوم بحران در شبه جزیره کره و نهایتاً ورود مؤثر روسیه به این بحران از جمله مواردی است که بر حساسیت هر چه بیشتر محیط امنیتی شرق آسیا افزوده است.

سند استراتژی نظامی ۲۰۱۵ چین^۱ نیز دریا را به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی دانسته که چین باید در آن ورود کرده و توانمندی خود را در این حوزه نشان دهد. از این رو، دریای چین جنوبی نیز نقش بسیار مهمی در اسناد استراتژیک چین ایفا می‌کند (Ministry of National Defense The People's Republic of China). برای این منظور، چین تلاش دارد تا با استفاده از برخی رویکردها، دغدغه‌های استراتژیک خود در محیط پیرامونی یعنی مسائلی مانند دریای چین جنوبی و شرقی، تایوان، تبت و... را که متغیرهای مداخله‌گر بوده و آمریکا توان دستکاری در آن‌ها دارد را کاهش دهد (امیری، ۱۳۹۷). برای این منظور، یکی از راهبردهای سیاست خارجی چین جابجایی کانون مناقشات از این منطقه به دیگر مناطق سیاست جهانی از جمله خاورمیانه است.

از این رو، یکی از محورهای اصلی کنش سیاست خارجی نسل پنجم رهبران چین نسبت به موضوعات و چالش‌های بین‌المللی، اتخاذ سیاست غوطه‌ورسازی است. بر این اساس، چین تلاش دارد از رهگذر مشغول کردن قدرت‌های بزرگ به موضوعات فرامنطقه‌ای، تا اندازه ممکن کانون‌های تنش و بحران را از مرزهای سرزمینی و دریایی خود دور نگه دارد، تا ضمن فرافکنی بحران‌ها بتواند با خیال آسوده در شرق آسیا به تقویت قدرت منطقه‌ای خود بپردازد. لذا مشغول نگه داشتن ایران به برخی بحران‌ها به‌رغم عدم اقدام عملی در جهت اعمال فشار بر ایران عملاً با سیاست‌های چین همخوانی دارد.

چنین سیاستی موجب می‌شود تا فراغت بیشتری برای چین فراهم شود و به دور از فشارهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی دیگر قدرت‌های جهانی در منطقه پیرامونی خود، به بسط قدرت و نفوذ خود اقدام نماید.

1- 2015 People's Republic of China's Military Strategy

نتیجه‌گیری

دلایل متعددی برای اهمیت یافتن مجدد ایران در سیاست خارجی نسل جدید رهبران چین قابل ذکر است. از جمله آن می‌توان به اهمیت ژئواکونومی ایران اشاره کرد. در حال حاضر چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت ایران است. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران نیز به اهمیت یافتن اقتصادی آن کمک می‌کند. ایران یک بازار مصرف گسترده برای کالاها و خدمات چینی است؛ واسطه به صرفه‌ایی برای ورود به بازار منطقه عربی و آسیای مرکزی و حوزه قفقاز به شمار می‌رود؛ خلیج فارس دسترسی ایران به آب‌های آزاد را فراهم می‌آورد؛ ایران نقش مهمی در توفیق یافتن طرح یک کمربند یک جاده ایفا می‌کند.

اما در حوزه مسائل بین‌المللی، ایران مناسب‌ترین بستر برای ایفای نقش فعالانه‌تر چین در عرصه مسائل بین‌المللی را فراهم می‌کند. ورود فعالانه چین به عرصه مذاکرات هسته‌ایی و نقش این کشور در دستیابی به توافق برجام و نیز تلاش‌ها و حمایت‌های این کشور از تداوم حیات برجام پس از خروج یکجانبه آمریکا از آن، همگی به این امر کمک کرد تا چین علاوه بر توسعه اقتصادی، مسئولیت‌های بین‌المللی را نیز پذیرا باشد و در تراز یک قدرت جهانی عمل نماید.

بی‌تردید، چین به‌عنوان کشوری که هیچ سابقه سوءاستعماری در مورد ایران ندارد، به‌عنوان یک طرف مذاکره‌کننده و میانجی صالح مورد شناسایی دولت ایران قرار گرفت. اقدامات و طرح پیشنهادات در خصوص صلح‌آمیز کردن فعالیت‌های راکتور هسته‌ای آب سنگین اراک منجر به تسریع و تسهیل روند گفت‌وگوهای ۱+۵ شد. رویکرد حمایت‌گرایانه چین از ایران در مذاکرات سهم بسزایی در دستیابی به توافق برجام داشت.

در مجموع، به نظر می‌رسد روابط خارجی چین در دوره رهبری نسل پنجم رهبری چین با ایران، روابطی راهبردی است و چین تلاش دارد تا از طریق تعامل و نزدیکی با ایران علاوه بر تضمین امنیت جریان صدور انرژی به این کشور، با دسترسی به آب‌های خلیج فارس، برنامه یک کمربند یک جاده را به واقعیت نزدیک نماید. هرچند افزایش حضور امنیتی چین در منطقه به معنا رودررویی مستقیم چین با ایالات متحده نخواهد بود. از این منظر، چین در یک بازی دوگانه علاوه بر حفظ روابط خود با قدرت‌های بزرگ و به ویژه آمریکا، به تعامل راهبردی خود با ایران ادامه خواهد داد.

فهرست منابع

- ۱- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴)، «چین و ایران؛ راهبردهای سیاست خارجی و چالش همکاری‌های فراگیر»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره سوم، ۹۲-۶۳.
- ۲- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو (۱۳۹۶)، «جاده ابرایشم نوین به مثابه راهبرد سیاست خارجی چین: فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره سوم، صص ۴۲-۷.
- ۳- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴)، بازدرآمدی بر روابط راهبردی چین و ایران: در پرتوی هویت‌های بین‌المللی، تهران: مخاطب.
- ۴- ارغوانی، فریبرز، سید جواد صالحی (۱۳۹۴)، «سیاست کنش متوازن چین و برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۱۱، صص ۹۹-۱۳۴.
- ۵- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و سمیرا نساجی (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی نسل پنجم رهبری جمهوری خلق چین نسبت به جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۱۸)، صص ۷۲-۵۹.
- ۶- امیری، سروش (۱۳۹۷)، «گستره نفوذ چین در جنوب شرق آسیا»، خبرگزاری صداوسیما، قابل دسترسی در: <http://www.iribnews.ir/fa/news/2320528>
- ۷- بصیری، محمدعلی و حسن آئینه‌وند (۱۳۹۵)، «مقایسه رویکرد روسیه، چین و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال پنجم، شماره ۹، صص ۵۵-۲۵.
- ۸- زارع، محمد (۱۳۹۴)، «جایگاه ایران در استراتژی کمربند اقتصادی جاده ابریشم»، در چشم‌انداز روابط ایران و چین، تهران: ابرار معاصر، صص ۱۶۲-۱۳۹.
- ۹- سازمند، بهاره و فریبرز ارغوانی (۱۳۹۲)، «ایران، چین و چالش‌های فراروی همکاری‌های فراگیر»، فصلنامه سیاست، شماره ۲۷، صص ۸۳-۱۰۶.
- ۱۰- شاه‌محمدی، سمیرا (۱۳۹۶)، «چالش‌های سیاسی و امنیتی راهبرد چین برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۰، صص ۱۴۵-۱۱۹.
- ۱۱- شریعتی‌نیا، محسن و حمیدرضا عزیزی (۱۳۹۶)، «همکاری ایران و چین در کمربند اقتصادی جاده ابریشم»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳۶، صص ۲۹-۷.
- ۱۲- صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۴)، «امنیت انرژی چین و ژئواکونومی انرژی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۲، صص ۱۲۴-۸۵.
- 13- Chaziza, M. (2018). "China's Approach to Mediation in the Middle East: Between Conflict Resolution and Conflict Management". Available at: Middle East institute, <https://www.mei.edu/publications/chinas-approach-mediation-middle-east-between-conflict-resolution-and-conflict>
- 14- Esfandiary, D. & Tabatabai, M. (2018). "Will China Undermine Trump's Iran Strategy?". Foreign Affairs, available at: www.foreignaffairs.com/articles/china/2018-07-20/will-china-undermine-trumps-iran-strategy
- 15- Li, C. (2007). "China's Leadership, Fifth Generation". Available at: <https://www.brookings.edu/articles/chinas-leadership-fifth-generation/>
- 16- Li, C. (2008), "China's fifth generation: is diversity a source of strength or weakness?", Asia Policy, Washington, Number 6
- 17- Li, C. (2011). "The Fifth Generation of China's Leaders: Challenges of the Next Succession". Available at: <https://www.brookings.edu/articles/the-fifth-generation-of-chinas-leaders-challenges-of-the-next-succession/>
- 18- Li, X. & Yuwen, Z. (2016). "The Future of China's Diplomacy in the Middle East". Available at: <https://thediplomat.com/2016/07/the-future-of-chinas-diplomacy-in-the-middle-east/>
- 19- Liao, X. (2012). "Formation of the First Generation Central Leadership Collective - and also on how Mao Zedong's core status was determined". Communist Party of China News. People.com.cn.

Retrieved 12 March 2012

- 20- Lyall, N. (2019). "China in the Middle East: Past, Present, and Future". Available at: <https://thediplomat.com/2019/02/china-in-the-middle-east-past-present-and-future/>
- 21- Pachios, H. (2015). "Let's look at China's role in the Iran nuclear deal". Available at: <https://thehill.com/blogs/congress-blog/foreign-policy/251657-lets-look-at-chinas-role-in-the-iran-nuclear-deal>
- 22- Setser, B. (2017). "Two Trade Variables to Watch in 2017". Available at: <https://www.cfr.org/blog/two-trade-variables-watch-2017>
- 23- Tatar, J. S., (2013). "China New Silk Road Diplomacy". Policy Paper, No. 34(82) at: www.files.ethz.ch
- 24- Tsukimori, O. (2018). "Asia's Iran oil imports hit 32-month low in Sept". Available at: <https://uk.reuters.com/article/asia-iran-crude/asias-iran-oil-imports-hit-32-month-low-in-sept-idUKL3N1XA32U>
- 25- Vakil, S. (2018). "China & Middle East: Regional Rebalancing". Available at: <https://www.hoover.org/research/china-middle-east-regional-rebalancing>
- 26- "China's Military Strategy", Ministry of National Defense The People's Republic of China, available at: <http://eng.mod.gov.cn/Database/WhitePapers/>
- 27- "INSTEX shows EU's resolve to uphold Iran nuclear deal: China". Available at: <https://www.presstv.com/Detail/2019/02/01/587380/INSTEX-China-Iran>
- 28- <http://www.cheryinternational.com/news/20180129330.html>
- 29- <http://www.irna.ir/fa/News/83063730> <https://fa.wikipedia.org/>
- 30- www.merriam-webster.com